

نقشه‌ی خدا برای فدیه
درس ۸: مسیح کتاب مقدس
دکتر آر. سی. اسپرول

در این جلسه ما بخش کاملاً جدیدی رو در درس‌هامون درباره‌ی الهیات نظام‌مند شروع می‌کنیم. که از یک لحاظ شاید ترسناک‌ترین بخش در تعلیم الهیات باشه، ولی از طرف دیگه، یکی از پربرکت‌ترین و غنی‌ترین بخش‌هاست که می‌تونیم در این فرایند مطالعه کنیم و بخشی از الهیاته که اونو مسیح‌شناسی می‌نامیم، چون حالا توجهمون رو روی درکمون از شخص و کار مسیح می‌ذاریم.

و این مهمه که ایمان ما، مذهب ما، مسیحیت نامیده شده. چون بخش زیادی از توجه ما روی کسی هست که نزد ما اومد، کسی که تجسم خدا بود، عمانوئیل در بین ما ساکن شد و کسی که نه تنها ما رو برای پدر بازخرید کرد، بلکه پدر رو به طرز بسیار باشکوهی به ما آشکار کرد.

حالا هر درسی درباره‌ی شخص مسیح، در بهترین حالت فقط می‌تونه به طور سطحی به چیزی بپردازه که ما در اونجا می‌یابیم، چون تصویری که در کتاب مقدس از عیسی بدست میاریم، بسیار گسترده و عمیق و غنی هست که در واقع توانایی هر کسی رو برای درک جامع و فراگیر اون به چالش می‌کشه. برای اینکه کمی طعم پیچیدگی چیزی رو بچشیم که با مطالعه‌ی شخص عیسی بدست میاریم، می‌خوام به یکی از عبارات مورد علاقم در عهدجدید نگاه کنیم که در باب پنجم وقایع آخر زمان قدیس یوحناست، یا به طور متداول‌تر کتاب مکاشفه نامیده میشه که اینجا در این نوشته، بخشی از رویایی رو می‌بینیم که یوحنا وقتی در جزیره‌ی پتموس در تبعید بود، تجربه می‌کنه.

باب ۵ با این کلمات شروع می‌شه: "و دیدم بر دست راست تخت‌نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر. و فرشته‌ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می‌کند که «کیست مستحق اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟» و هیچکس در آسمان و در زمین و در زیرزمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند." می‌بینید، او این رویا رو در آسمان داره؛ دادگاه برقرار شده؛ داوری آماده هست؛ کتاب‌ها ارائه شدند و طومارها اونجا هستند و این صدای بلند می‌گه: "کیست مستحق اینکه کتاب را بگشاید؟"

و یوحنا هیجان‌زده و چشم به راهه، درحالیکه منتظره ببینه کی قدم برمیداره و به اندازه‌ی کافی مستحقه که این طومارهای مخفی رو باز کنه. بعد یوحنا میگه: "و من بشدت می‌گریستم زیرا

هیچکس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. " و یکی از آن پیران به من می‌گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.» و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند.

پس آمد و کتاب را از دست راست تخت‌نشین گرفته است. " و بعد ما دعای مقدسین و سرود فرشتگان رو می‌شنویم: "مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد" و الی آخر. اما چیزی که در این رویا می‌خونیم که به نظر من هیجان‌انگیزه، اینه که وقتی حالت روحی یوحنا شدت پیدا می‌کنه، چون اول هیجانزده هست که یکی میاد و طومارها رو باز می‌کنه و بعد در افسردگی فرو میره چون هیچ کس مستحق نبود و بعد فرشته به او می‌گه گریه نکنه، چون اعلام کردند که شخص مستحق پیدا شده، در واقع این شیر یهوداست. و حالا شما اونجا نشستید و او اونجا نشسته، منتظره که این حیوان بسیار قدرتمند، سلطان جنگل رو ببینه که با غرش وارد صحنه می‌شه و طومارها رو باز می‌کنه، ولی به جاش چی می‌بینه؟ یک بره ذبح شده. و چیزی که در این تصویر می‌بینید، نمونه‌ی زنده از تضاد عمیق بین فروتنی مسیح و تعالی مسیحه، بین پیروزی‌ها و رنج‌های او. و این به ابعاد پیچیده و چندوجهی شخصیت او و همچنین کار او اشاره می‌کنه. می‌دونید، غالباً از خودم این سؤال رو پرسیدم که "چرا خدا در مشیت الهیش مناسب دید که چهار انجیل رو برای کلیسا و دنیا فراهم کنه؟ چرا فقط یک انجیل نیست، یک زندگینامه‌ی معتبر و کامل از عیسی؟

ولی مایه‌ی خشنودی خدا بود که به دلایلی که خودش می‌دونه، دو انجیل یا سه انجیل به ما نده، بلکه چهار تصویر از زندگینامه‌ی عیسی به ما بده که همگی به شخص و کار عیسی از دیدگاه نسبتاً متفاوت نگاه می‌کنند. ما از متای قدیس، دیدگاه یهودی رو می‌گیریم، و در متی می‌بینیم که تأکیدها بر نشون دادن تحقق تعداد بیشمار نبوت‌های عهدعتیق توسط عیساست، اینکه چطوری به وضوح نشون داده شده که او مسیحایی هست که قرن‌ها پیش وعده داده شده بود.

و بعد انجیلی رو می‌بینیم که توسط مرقس به ما ارائه شده که سرعت بسیاری داره، خیلی خلاصه و موزون هست که زندگی عیسی رو طوری دنبال می‌کنه و به درخشان بودن معجزاتش که در سراسر سرزمین فلسطین جاری می‌شه می‌پردازد. بلافاصله عیسی این کار رو می‌کنه، و بلافاصله عیسی اون کار رو می‌کنه و ما معجزاتی رو می‌بینیم که توسط مسیح انجام شده.

و بعد تصویری رو می‌بینیم که توسط لوقای پزشک برای ما تهیه شده، کسی که به جامعه‌ی غیریهودی وصله و در سفرهای بشارتی پولس به ملت‌های غیریهودی، همراه پولس بود. و اونجا عیسانی رو می‌بینیم که فقط برای نجات یهودیان نیومده، بلکه نجات دهنده‌ی مردان و زنان از هر قبیله، زبان و ملت هست. و شما بینش متفاوتی رو از تعلیم عیسی، مثل‌ها و حکمتش بدست میارید که در انجیل لوقا بیان شده. و بعد انجیل یوحنا میاد که دو سوم این کتاب به هفته‌ی آخر زندگی عیسی اختصاص داده شده. و می‌بینید که این تصویر بسیار الهیاتی که توسط یوحنا از مسیح ارائه شده، مسیح رو تجسم حقیقت نشون می‌ده، کسی که نور جهان، کسی که در او حیات فراوان هست.

پس هر کدوم از نویسندگان انجیل، یک نظر اجمالی از شخصیت مسیح رو از دیدگاه نسبتاً متفاوت به ما میدن، که اونها اعماق و غنای هویت او رو بررسی می‌کنند. و نه تنها فقط نظر خودشون رو درباره‌ی هویت عیسی به ما میدن، بلکه در روایتشون، واکنش انواع متفاوت انسان‌ها رو در برابر مسیح، در خدمت زمین‌اش می‌شنویم یا حداقل می‌خونیم.

ما واکنش شبانان رو در برابر نوزاد تازه متولد شده می‌بینیم که اونها از سرزمین‌هایی خارج از بیت لحم میان. ما واکنش شمعون پیر رو می‌بینیم که در هنگام وقف عیسی وارد معبد می‌شه و به این نوزاد نگاه کرده و می‌گه: الحال ای خداوند بنده خود را به سلامتی رخصت می‌دهی، زیرا که چشمان من نجات قوم من اسرائیل را دیده است.

ما عیسی رو می‌بینیم که وقتی یک پسر جوونه، علما رو در معبد متحیر می‌کنه. می‌بینیم که او توسط یحیی تعمیددهنده برای خدمت عمومی‌اش معرفی می‌شه، یحیی او رو می‌بینه که وارد رود اردن می‌شه و می‌گه یا این سرود "آگنوس دی" رو می‌خونه: اینک بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد.

ما عیسی رو از چشم نیکودیموس می‌بینیم که در شب میاد و از او چیزی می‌پرسه و می‌گه: "ای استاد می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده ای زیرا هیچکس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی بنماید، جز اینکه خدا با وی باشد." پس ما عیسی رابی، عیسی معلم رو می‌بینیم که نه تنها در کودکی رابی‌های دیگه رو متحیر می‌کنه، بلکه در بزرگسالی، در حکمت و بینش از بزرگ‌ترین معلمان زمانش جلو می‌زنه.

ما می‌بینیم که عیسی در کنار چاه قدیمی یعقوب در سامره، در سوخار با زنی صحبت می‌کنه که در شهر مطرود بود و زنی که اول نتیجه‌گیری می‌کنه که با یک نبی صحبت می‌کنه. "ای آقا می‌بینم

که تو نبی هستی." و وقتی گفتگو ادامه پیدا می‌کنه، و عیسی همه‌ی چیزهای مربوط به این زن رو آشکار می‌کنه، او متوجه می‌شه که با مسیح موعودی که مدت‌ها منتظرش بودند، صحبت می‌کنه.

پس این شگفت‌انگیزه که در سراسر کتاب مقدس، عیسی رو نه تنها از چشم نویسندگان انجیل می‌بینیم، بلکه از دیدگاه و منظر کسانی می‌بینیم که عیسی باهاشون ملاقات کرد، کسانی که باهاشون رویارو شد، کسانی که تویبخشون کرد، کسانی که شفاشون داد، کسانی که به اونها تعلیم داد.

ما او رو در تالار داوری و صحن پیلطس می‌بینیم، جاییکه پیلطس به دنیایی که تماشا می‌کنه و برای ریختن خون او فریاد می‌زنه، اعلام می‌کنه که "در این شخص هیچ عیبی نمی‌یابم." دوباره می‌شنویم که وقتی پیلطس، عیسی رو به جمعیت نشون می‌ده، کلماتی رو بیان می‌کنه که در تاریخ مسیحی جاودانه شده. وقتی عیسی رو به جمعیت نشون می‌ده، به جمعیت می‌گه: "اِکِه هوما"، این مرد را ببینید، چون اینجا تصویر یک انسان رو می‌بینیم که در تاریخ بشر هیچ همتایی نداره.

من نمی‌تونم به کسی فکر کنم که یک زندگینامه از یک قهرمان بزرگ نوشته باشه و بدون توجه به غرضمندی اونها و مراقبتشون در پوشوندن عیوب شخصیت قهرمانشون، هیچ زندگینامه‌ای رو نمی‌شناسم که در واقع اونقدر پیش رفته باشه که پیشنهاد کنه این قهرمانی که درباره‌ی او می‌نویسه، بی‌گناه بود، ولی گزارشی که ما از عیسی در کتاب مقدس می‌بینیم، درباره‌ی مردی هست که کاملاً پاکه، مردی که بدون گناهه، مردی که می‌تونه به متهم کنندگانش بگه: "کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟"

پس تصویری که در انجیل عیسی پیدا می‌کنیم، گیج کننده هست. دوباره، از شبانان در مزرعه گرفته تا یوزباشی که در پای صلیب بود و بعد از اینکه شاهد مصلوب شدن بود، می‌گه: "فی‌الواقع این مرد، پسر خدا بود." از قیافا و مخالفانش گرفته تا تومای شکاک که بعد از رستاخیز وقتی توما مسیح قیام کرده رو می‌بینه، به زانو درمیاد و فریاد می‌زنه: "ای خداوند من و ای خدای من."

و علاوه بر این دیدگاه‌هایی که از هم عصران مسیح داریم، ما شهادت خود عیسی رو درباره‌ی هویتش داریم. مسیح می‌گه: "کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد."

این عیسی که می‌گه من با اقتدار خودم تعلیم نمی‌دهم، بلکه فقط آنچه را که پدر به من می‌گوید، به شما اعلام می‌کنم."

این عیسی که می‌خواهد برای یک دوره، هویت حقیقی خودش رو به خاطر سوء تفاهات معروف درباره‌ی اینکه مسیح چگونه خواهد بود، مخفی و پنهان کنه، به هر حال ادعاهای دلیرانه و افراطی داره، اگه در واقع اونها تحریفاتی باشن که برای ما در انجیل یوحنا گزارش شدن، در فهرست معروف "من هستم" ها، که شامل چیزهایی هست که عیسی گفت: "من نان حیات هستم که از آسمان نازل شد، و همانطور که پدران ما از من که خدا در زمان موسی در بیابان برای آنها فراهم کرد، خوردند و تقویت شدن، اکنون من، من جدید هستم، من نان حیات هستم."

و وقتی مردم این رو از او شنیدن، بعضی‌هاشون خیلی عصبانی شدن و دیگه با او راه نرفتند. او گفت: "من تاک هستم و شما شاخه‌ها. و تا زمانیکه شما در من بمانید و من در شما، می‌دانید، شما شکوفا خواهید شد." و او گفت: "من دری هستم که انسان‌ها باید از آن عبور کنند،" وقتی خودش رو مقایسه می‌کرد یا در واقع باید بگم خودش رو در تضاد با انبیای دروغین زمانش می‌گذاشت، کسانی که شبانان ضعیف گوسفندان بودند، اجیر شده بودند و بیشتر نگران دستمزد خودشون بودند تا نگران مراقبت و پرورش گوسفندان، عیسی گفت: "من شبان نیکو هستم و شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد و گوسفندانش صدای او را می‌شناسند."

و حتی هیجان انگیزتر و تأثیرگذارتر از اینها، این اظهار او بود که گفت: "پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود، من هستم. ابراهیم شادی کرد بر اینکه روز مرا ببیند." "پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود"، او نگفت پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود، من بودم. بلکه پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود، "من هستم". و این عبارتی که او در همی این "من هستم" ها بکار برد- عبارات دیگه ای هست، از جمله: من و پدر یک هستیم، من راه، راستی و حیات هستم- عبارتی که او بکار برد، ترکیبی از دو کلمه‌ی یونانی بود.

دو کلمه در یونانی هست، دو فعل که می‌تونه با کلمه‌ی انگلیسی "من هستم"، فعل بودن، ترجمه بشه و ترجمه شده. کلمه‌ی یونانی "اگو" و کلمه‌ی یونانی "ایمی". وقتی عیسی این "من هستم" ها رو بیان کرد، او فقط نگفت "اگو" راه، راستی و حیات، یا "ایمی" در، بلکه گفت "اگو ایمی"، از هر دوی اونها استفاده کرد.

و اهمیت این موضوع در جامعه‌ی قرن یکم نادیده گرفته نشده بود، چون اگه به ترجمه‌ی یونانی عهدعتیق نگاه کنیم که سپتواجت نامیده می‌شه و ببینیم یهودیان یونانی زبان چطور نام

مقدس خدا، بیهوه، هستم آنکه هستم، رو ترجمه کردند، عبارتی که در یونانی بکار بردند، ترکیبی از دو فعل بودن بود، "اگو ایمی".

پس وقتی عیسی از این زبان استفاده کرد، به وضوح خودش رو با نام مقدس خدا معرفی کرد. و وقتی از عنوان "پسر خدا استفاده کرد، ادعا کرد که چیزی کمتر از اقتدار خدا نداره و به کسی اشاره می‌کرد که از حضور قدیم الایام میاد، کسی که به عنوان داور زمین از آسمان نازل می‌شه و ما بعداً بیشتر درباره‌ی اون صحبت خواهیم کرد.

اما عیسی در استفاده از این عبارت پردازی در یک زمانی گفت: "من این کار را می‌کنم تا بدانید که پسر انسان مالک روز سبت نیز است." ادعای اینکه مالک روز سبت باشه، درحالیکه خدا سبت رو مرسوم کرده؛ این خداست که روز سبت رو برقرار می‌کنه؛ این خداست که قوانین حاکم بر روز سبت رو فرمان می‌ده. وقتی مسیح می‌گه: "من مالک روز سبت هستم"، یعنی خودش رو با الوهیت یکی می‌دونه. همچنین با استفاده از عبارت پسر انسان در یک شرایط دیگه، بخشش گناهان انسان رو اعلام کرد و گفت: "من این کار را کردم تا بدانید که پسر انسان را قدرت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست" و دوباره، دشمنان عیسی خشمگین شدند، چون در سنت یهودیشون به این دیدگاه اعتقاد داشتند که فقط خدا اقتدار داره که گناهان رو ببخشه. پس گفتند: این مرد خودش رو با خدا یکی می‌دونه.

پس چیزی که در این تصویر باشکوه از عیسی می‌بینیم، انسان کامله، اما نه فقط انسان کامل. ما کسی رو می‌بینیم که واقعاً خدا با ماست، هست، تجسم خدا، و به خاطر این تصویر غنی و عمیق از عیسی که شاهد عظمت انسانیت او و مکاشفگی الوهیت اوست که کلیسا در بیان و تهیه دقیق الهیاتش در قرون اولیه، باید دشواری وفاداری به انسانیت عیسی و الوهیت مسیح رو درک می‌کرد و به همین دلیل ما پیش از این در مطالعاتمون از تثلیث، به شورای نیقیه پرداختیم و به شورای بعدی کلسدون هم خواهیم پرداخت تا ببینیم چطوری کلیسا رابطه‌ی بین ماهیت انسانی مسیح و ماهیت الهی مسیح رو تعیین کرد.

اما همچنین فراتر از چیزی که در تصویر انجیل می‌بینیم، که این نهایت تصویر عیسی نیست که در عهدجدید می‌بینیم، چون بعد از اناجیل، شهادت رسولان رو داریم، شهادت پولس رسول که برای ما به وضوح و آشکارا، از خدمت مسیح به عنوان نجات‌دهنده پرده برداری می‌کنه، جاییکه پولس توضیح می‌ده که در کفاره چه اتفاقی می‌افته و مسیح چطوری واسطه‌ی ماست و چطوری فدیهای ما رو برامون انجام می‌ده. و نه تنها پولس و نامه‌های متعدددش، بلکه در نامه‌های پطرس، نامه‌های یوحنا، کتاب عبرانیان هم به ما یکی از والاترین مسیح‌شناسی‌ها رو می‌ده که در جای

دیگه‌ای نمی‌بینیم، جاییکه مسیح به عنوان تصویری از شخص خودش ابراز شده، درخشندگی جلال خدا، برتر از فرشتگان، برتر از موسی، برتر از کهنات هارونی در عهدعتیق، کسیکه "آرکگاس" یا مدافع ما در کتاب عبرانیان خطاب شده.

پس، از متی تا پایان مکاشفه، طرح مرکزی عهدجدید، مسیحه. اما حتی اون هم کافی نیست. چون اگه به عقب برگشته و به عهدعتیق بریم، از پیدایش ۳ تا سراسر کتاب‌های تاریخ عهدعتیق که مثلاً جزئیات خیمه رو توصیف کرده، خیمه‌ای که در مسیح تجسم یافت، مسیحی که در شخص و کارش، خیمه‌ی عهدعتیقه.

و همه‌ی جزئیات و زمینه سازی‌های بکار رفته در نظام قربانی عهدعتیق، با جزئیات دقیق در خدمت عیسی به تحقق رسید، حالا کتاب انبیا رو نمی‌گم که پُر از مراجعی درباره‌ی کسی هست که می‌آید.

پس ما فقط به سراغ عهدجدید نمی‌ریم که درباره‌ی عیسی یاد بگیریم، بلکه مسیح عملاً در هر صفحه‌ی عهدعتیق اعلام شده؛ از پیدایش تا مکاشفه، داستان عیسی مسیحه.